

آیا امروزه یکپارچگی حقوق بین‌الملل عمومی در مخاطره است؟^۱

نویسنده: ژیلبر گیوم^۲

مترجم: محمدحسین رمضانی قوام‌آبادی^۳

چکیده

در این مقاله به خطرات تهدیدکننده یکپارچگی حقوق بین‌الملل عمومی در آغاز قرن بیست و یکم پرداخته شده است؛ تهدیداتی چون جهشی شدن و به تبع آن ظهور عرصه‌ها و بازیگران جدید در حقوق بین‌الملل مانند بیواتیک (زیست-اخلاق)، سازمانهای غیردولتی، NGO و... که وجودشان سبب تبعیت از قواعد جدید حقوقی می‌گردد.

نخست سراج قضایی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای موجب تکثر امکاناتها و صلاحیتهای قضایی گوناگونی شده که این خود به طور فاحشی بر حقوق بین‌الملل عمومی تأثیر و یکپارچگی آن را به مخاطره افکند است. در این مقدمه نویسنده به تشریح موضوع و ارائه راهکارهای علمی و عملی در این خصوص می‌پردازد.

واژگان کلیدی: دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان اروپایی حقوق بشر، سازمانهای غیردولتی، صلاحیت، تعارض محاکم و تناقض آراء.

۱. مقاله مزبور به زبان فرانسه تحت عنوان:

"L'unité du droit international public est-elle aujourd'hui en danger?"

"Revue internationale de droit comparé" در مجله بین‌المللی حقوق تطبیقی در سال ۲۰۰۳ به چاپ رسیده است.

۲. رئیس سابق دیوان بین‌المللی دادگستری.

۳. دانشجو، دوره دکترای حقوق بین‌الملل، دانشگاه پاریس ۱- پانتون سوربن فرانسه

مقدمه

با خشنودی فراوان از فرصتی که به من اعطا شده تا بتوانم به مناسبت شانزدهمین کنگره آکادمی بین‌المللی حقوق تطبیقی نظراتم را ابراز کنم. افزایش قضایای در حال رسیدگی دیوان بین‌المللی دادگستری مانع از حضور اینجانب در میان شما گردید، لذا ضمن ابراز تأسف در این خصوص، توفیق کامل کنگره را آرزو می‌کنم.

کنگره، سیستم‌های حقوقی در قرن ۲۱ را مورد توجه و پرسش قرار خواهد داد. این چنین پرسشی در حقوق تطبیقی صحیح است اما این سؤال با کمی تفاوت در حقوق بین‌الملل عمومی مطرح می‌شود. حقوق بین‌الملل عمومی در قرن ۱۹ به وسیله دولتها و به منظور حل و فصل روابط متقابل آنها بنا بر هنجارهای مشترک اساساً تعیین شده توسط کنوانسیون بوجود آمده است. این حقوق در اواسط قرن ۲۰ به طور شایسته‌ای یکپارچه گردید. با این وجود، چندی است که این یکپارچگی کسب شده قدری تهدید می‌شود. پس بی‌فایده نیست تا در آغاز قرن ۲۱ خطرات تهدیدکننده این یکپارچگی را مورد پرسش قرار دهیم.

جامعه بین‌المللی قبل از هر چیز متشکل از دولتهای حاکم است. از دیرباز، این دولتها تنها تابعین حقوق بین‌الملل محسوب می‌شدند. بعلاوه تعداد آنها نیز محدود به اتفاق [کنسرت] بین‌المللی اروپایی و آمریکای لاتین بوده است. در حال حاضر وضعیت کاملاً متفاوت است زیرا جنبش گسترده استعمارزدایی، بدنبال جنگ دوم جهانی منتهی به افزایش تعداد دول گردید و امروزه ۱۸۹ کشور عضو سازمان ملل متحد هستند.

افزایش تعداد دولتها با ایجاد سازمانهای بین‌المللی متعددی همراه بوده است. این سازمانها در قرن ۱۹ تنها یک نقش فنی داشته‌اند؛ سازمانهای اولیه تأسیس شده مانند کمیسیون مرکزی برای دریانوردی در زاین، اتحادیه پست جهانی با دفتر اوزان و مقادیر شواهدی بر این امر هستند. امروزه وضع دیگر به اینگونه نیست؛ و سازمانهای بین‌المللی در قلمروهای متعددی مداخله می‌کنند که از آن جمله می‌توان به امنیت جمعی، روابط اقتصادی و مالی یا مبارزه علیه بیماریهای واگیر با ترویسیم بین‌المللی اشاره کرد. تعداد این سازمانها بیش از ۳۰۰ سازمان است در حالی که تعداد آنها در سال ۱۹۳۹ تنها چند ده تایی بیشتر نبود.

این تحول، جدیداً در رابطه با دادرسی‌های بین‌المللی تسریع یافته است. دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی در سال ۱۹۲۰ ایجاد گردید و مدت زمان طولانی بعنوان تنها مرجع قضایی بین‌المللی به حساب می‌آمد. جایگزینی این دیوان توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۴۵ کم و بیش مصادف با توسعه مراجع جدید قضایی در سطح منطقه‌ای و بعد در سطح جهانی بوده است. در سال ۱۹۵۰، دیوان اروپایی حقوق بشر و در سال ۱۹۵۷، دیوان اروپایی دادگستری ایجاد گردید و درخصوص دیوان آمریکایی حقوق بشر باید اشاره کرد که دیوان مزبور اولین تصمیم خود را در سال ۱۹۸۱ اتخاذ نمود.

این روند در خلال دو دهه اخیر تسریع و جانشمول شده است. در سال ۱۹۸۲، کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها، دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها را ایجاد نمود و از سال ۱۹۹۶ نیز شروع به کار کرده است. موافقتنامه مراکش ۱۹۹۴، مکانیزم شبه قضایی به صورت یک واقعیت درآمد و اسامنامه آن در اول ژوئیه ۲۰۰۲ با شصتمین [سند] تصویب لازم‌الاجرا گردید. به موازات آن، در ۲۰ سال اخیر دادگاههای اختصاصی متعددی همانند دادگاه اختلافات ایران و آمریکا یا دادگاههای جزایی بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواندا تأسیس شده است. بنابراین، ما ناظر افزایش بلکه تراکم مراجع قضایی بین‌المللی هستیم.

جامعه بین‌المللی به بازیگران جدید توسعه پیدا نموده است. مبادلات بین‌المللی کالا، خدمات و سرمایه همانند آمد و رفت افراد افزایش یافته است. در عمل، جهانی شدن موجب ظهور بازیگران جدید در حقوق بین‌المللی بازیگران غیردولتی چون بنگاهها، سازمانهای بین‌المللی غیردولتی و افراد به فعالیتهای فراملی رو به رشد در پهنه مرزهای بیش از پیش قابل نفوذ مبادرت می‌ورزند.

سازمانهای بین‌المللی غیردولتی متعددی با اتکا به وسایل ارتباط جمعی، مدعی انعکاس افکار عمومی بین‌المللی هستند و به طور دایم بر دولتها فشار وارد می‌کنند. درخصوص بنگاههای چندملیتی گرچه فعالیتشان کمتر متکی به وسایل ارتباط جمعی است ولی بی‌تردید این امر در مورد این بنگاهها نیز وجود دارد. بازیگران جدید، مکانیزمهای شکل‌گیری و اجرای هنجارها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مثالهای متعدد در زمینه تجارت بین‌الملل، حقوق بشر دوستانه، دادگستری جزایی بین‌المللی یا حقوق محیط زیست شاهدی بر این امر است.

این بازیگران موفق به دسترسی به دادگاههای بین‌المللی نیز شده‌اند؛ به عنوان مثال اساسنامه دیوان دادگستری جوامع اروپایی یا تصمیمات جدید ارکان حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت^۱ درخصوص پذیرش مداخله سازمانهای غیردولتی به عنوان «دوست دادگاه» دال بر این امر هستند.^۲ در رابطه با حقوق بشر نیز به همین صورت است و اشخاص حقیقی می‌توانند به طور مستقیم به دادگاه اروپایی حقوق بشر مراجعه کنند.^۳

افزایش بازیگران با تنوع رو به رشد هنجارها همراه بوده است. درواقع، با توسعه روابط بین‌المللی، همکاریهای بین دولتی در زمینه امنیت، آموزش، اقتصاد، محیط زیست، تحقیقات علمی، ارتباطات، حمل و نقل و غیره به طور قابل توجهی گسترش پیدا کرده است. این بسط و توسعه به طور اجتناب‌ناپذیر، ضرورت پیروی روابط جدید را از قواعد حقوقی ایجاب می‌کند. پس ورود حقوق بین‌الملل به عرصه‌های جدید اغلب به صورت حقوق نرم اقوام نایافته^۴ است.

1. Organe de règlement des différends de l'O.M.C.

مترجم:

دوست دادگاه [Amicus curiae] اساساً مفهومی است مربوط به حقوق انگلو ساکسون که به تدریج وارد حقوق بین‌الملل شده است. ولی هنوز در حقوق بین‌الملل به اندازه حقوق داخلی رایج و مرسوم نیست. این نهاد به مرجع رسیدگی کننده اجازه می‌دهد از اشخاص، ارگانهای بی طرف [در اختلاف] درخواست نماید تا اطلاعاتی جهت شفاف شدن موضوعات مورد اختلاف در اختیارش قرار دهند. سازمانهای بین‌المللی غیردولتی از جمله این ارگانهها هستند که در موارد متعددی مورد مشورت قرار می‌گیرند. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص نگاه کنید به^۵

ASCENSIÓN (H), "L'Amicus Curiae devant les juridictions internationales", R.G.D.I.P., Tome, 105 2001-4, pp. 897-930.

SHIELTON, (D), "The Participation of Nongovernment Organizations in International Judicial Proceedings", A.I.L., 1994, pp. 611-642.

BEYERLIN, (D), "The Role of NGOs in International Environmental Litigation", Zeitschrift für Ausländisches öffentliches Recht und Völkerrecht, Kohlhammer GmbH 61 (2001), Vol. 2-3, pp. 357-378.

2. V.l'interprétation donnée à l'article 13, annexe 2 de l'accord général sur les tarifs et le commerce, Understanding on rules and Procedures Governing the Settlement of Disputes dans l'affaire des Crevettes (États Unis/ prohibition à l'importation de certaines crevettes et de certains produits à base de crevettes).

3. Article 34 de la convention telle qu'amendée par le 11e protocole, entré en vigueur le 11 novembre 1990, en vigueur le 11 novembre 1990.

4. Soft Law

و سپس به تدریج تبدیل به هنجارهای دارای ضمانت اجرا می شود.

حقوق محیط زیست مثالی در این زمینه است و نزدیک به ۳۰ سال یعنی از [کنفرانس] استکهلم ۱۹۷۲ تا [کنفرانس] کیوتو ۱۹۹۸ است که این حقوق از روابط همجواری بین دولتها و مبارزه علیه آلودگی های فرامرزی تا حفظ بیوسفر و حمایت از زیست بوم^۱ را پشت سر گذاشته است. همچنین در زمینه زیست- اخلاق^۲، حقوق بین الملل مسائل جدیدی را مطرح نموده که هنوز در سطح ملی به نظم درنیامده اند. شورای اروپا در سال ۱۹۹۷، کنوانسیون در زمینه زیست- پزشکی^۳ و در سال ۱۹۹۸ یک پروتکل الحاقی در مورد ممنوعیت همسان سازی انسان^۴ تصویب نمود. یونسکو نیز به سهم خود یک اعلامیه در مورد ژنوم انسانی^۵ تصویب کرده است.

این بسط و توسعه برای یکپارچگی سیستم بی خطر نیست. با نایل به درجه ای از تنوع و پیچیدگی، موضوعات مختلف در واقع داعیه دار استقلال خود می شوند. این استقلال بوسیله تخصصی کردن فنون و افراد تسهیل می گردد به همان صورتی که در سازمانهای بین المللی وجود دارد. امروزه حقوق بین الملل اقتصادی، حقوق دریاها و حتی حقوق هوایی به عنوان شاخه های تخصصی حقوق بین الملل محسوب می شوند. به همین ترتیب، غالباً در قلمرو حقوق بشر، قواعد سستی حقوق بین الملل عام چون شرط عمل متقابل در اجرای تعهدات قراردادی مابین ناسازگار لحاظ شده و از این امر مجزا نموده اند.

به علاوه، افزایش سازمانهای بین المللی موجب ظهور نظامهای حقوقی بخشی [جزیی] به خصوص در سطح مطلقه ای می شود که حقوق جوامع اروپایی نمونه جالبی از این پدیده است.^۶ براساس منابع شکلی (معاهدات نهادین [تأسیسی] و اسناد یکجانبه جامعه)، حقوق جامعه اروپا، جزئی از حقوق بین الملل باقی می ماند. ولی این حقوق بخشی از حقوق داخلی دولتهای

1. Ecosystemes

2. Bioethique

3. Bio- medecine

4. Clonage

5. Gènome humain

6. BOULLOUIS/ (J), "Le droit des communautés européennes", R.C.A.D.I. 1992, Vol. IV, N5235, pp.15-70.

عضو نیز هست و دیوان دادگستری جوامع اروپایی در سالیهای آغازین تصریح به این داشته که: «جامعه، نظم حقوقی جدیدی از حقوق بین الملل است که دولتهای عضو در برخی موارد حقوق محاکمه خود را به نفع آن محدود کرده اند و علاوه بر دولتهای عضو، اتباع آنها نیز تابعان این نظام هستند»^۱ سپس در وهله بعدی، دیوان حقوق جوامع اروپایی را نه جزئی از حقوق بین المللی، بلکه حقوقی ناشی از منبع مستقل توصیف می کند.^۲ و سرانجام، اگر منابع این حقوق بتوانند در صورت اقتضاء در حقوق بین الملل جستجو گردند، پس غالب اوقات در حقوق دول عضو نیز قابل یافت شدن می باشند.

کاهش سریع روابط بین حقوق بین الملل و حقوق اروپایی می تواند در پرتو قواعد سستی حقوق بین الملل عمومی توسط قاضی دیوان جوامع اروپایی ارزیابی شود. حال آنکه چنین چیزی همیشه مناسب نیست. سیستم قضایی جامعه، قاعده عرفی طی مقدماتی مراحل داخلی را به رسمیت نمی شناسد. دیوان دادگستری جوامع اروپایی غالباً با متوسل شدن به یک تفسیر غایت شناسانه از معاهدات تفسیس کننده جامعه به طور قوی از روشهای سستی تفسیر مورد نظر در کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات، فاصله گرفته است.

افزایش هنجارها سبب افزایش و تنوع رژیمهای کنترل شده است و بنا به نظر بعضی نویسندگان،^۳ این رژیمها حتی ویژگی «خودکفا بودن» را کسب نموده اند و از توجه قواعد عام حقوق بین الملل عمومی معاف هستند؛ حقوق بشر و خلع سلاح مثالهایی در این زمینه هستند که می توان به آن اشاره کرد. این سیستمها معمولاً با اعمال ابداعاتی و ترکیب آن با قنون سستی حقوق بین الملل، روشهای حل و فصل اختلافات اصیلی را عرضه می کنند. همراه بودن کمکهای فنی با ضمانت اجرای اقتصادی، رژیمهای بازرسی مستقل، کمیسیونهای پیگیری اجرای کنوانسیونها به گونه ای است که مکانیزمهای قدیمی حقوق بین الملل عام چون مسؤولیت بین المللی ناشی از اعمال نامشروع در آن یافت می شود ولی آنها لااقل به حاشیه فرستاده شده اند و کماکان وجود دارند، جملگی جزء این روشها می باشند. افزایش مراجع قضایی بین المللی خطری بزرگ برای یکپارچگی حقوق بین الملل است و من مایلیم بر این موضوع تأکید نمایم.

1. Van Gend en Loos, 5 février 1963.

2. Costa c. Enel, 15 juillet 1964

3. DUPUY, (P.M.), Droit international public, Dalloz, 58^e éd., 2000, p.21.

با افزایش تدریجی دادگاههای بین المللی، خطرات مربوط به صلاحیت نیز افزایش یافته است و در واقع امروزه این خطرات به صورت واقعیت درآمده اند. در نیمه اول قرن ۲۰، دولتها دارای یک انتخاب بین داوری و دیوان دائمی دادگستری بین المللی بوده اند. افزایش مراجع سبب فراهم آوردن امکانات متعددی شده و به نوعی راه را برای یک نوع «رقابت بین المللی» گشوده است. همانطور که دادگاه هامبورگ مربوط به حقوق دریاهای بنا به مواد ۲۸۷ و ۲۸۸ کنوانسیون مونته گویی، می تواند صلاحیت خود را به منظور شناسایی دعاوی مربوط به اجرای کنوانسیون مزبور اعمال کند؛ دیوان بین المللی دادگستری نیز در این مورد صالح است در حالیکه در پیشگاه این مرجع، دولتها به طور سستی اختلافات دریایی خود را در پیشگاه این دیوان مطرح می نمودند. کما اینکه از قضیه لوتوس^۱ و قضیه ماهیگیری ایسلند^۲ تا تحدید حدود مناطق دریایی متعدد، توسط این دیوان رسیدگی و حل گردیده است. پس این امر موجب طرح این پرسش در خصوص تداخل صلاحیت رسیدگی یعنی از یکطرف «انتخاب مرجع» و از طرف دیگر ناقض احکام می گردد.

در وهله اول، افزایش دادگاهها موجب انتخاب بین مراجع متعدد قضایی می شود و در «فوروم شاپینگ»^۳ را که ترکیبی فرانسه و انگلیسی است، باز می گشاید. وجود مراجع صالح متعدد به منظور اعمال صلاحیت در یک دعوای معین، اجازه انتخاب مقر دادگاه مناسبتر را به طرفین غالباً خواهان که به طور یکجانبه عمل می کند، می دهد. بی تردید این انتخاب موجب ایجاد رقابت بین دادگاهها، و سبب آثار منفی می شود. برای مثال انتخاب مرجع رسیدگی کننده می تواند به این دلیل باشد که رویه قضایی این دادگاه از نظر بعضی دکتین، تصورات یا منافع، مناسبتر از رویه قضایی مرجع دیگر باشد. هر نهاد قضایی اهمیت خود را کم و بیش بنا بر کثرت اختلافات ارجاع شده به وی ارزیابی می کند. بدین دلیل، این احتمال هست که بعضی دادگاهها به منظور توسعه فعالیتشان، رویه قضایی خود را به بهای دور شدن از عدالت به سمت جلب دعاوی بیشتر تغییر دهند. چنین تحولی به حال دادگستری بین المللی بسیار زیانبار خواهد بود.

صلاحیت های قضایی متعدد موجب بروز دومین نتیجه نگران کننده داخل صلاحیت ها

1. Louts

2. Pêcherics islandaises

3. Forum shopping

می‌شود. در واقع، صلاحیتهای متعدد نه تنها سبب بروز بازار انتخاب دادگاه توسط طرفین می‌گردد بلکه موجب افزایش خطر تناقض احکام نیز می‌شود، دو دادگاه می‌توانند به طور رقابتی به یک مسأله رسیدگی و اقدام به صدور تصمیمات متناقض نمایند. سیستم‌های حقوق ملی از دیرباز با این مشکل روبرو بوده‌اند و آن را به دو روش حل کرده‌اند: از یکطرف بوسیله توسعه سلسله مراتب آشکار بین مراجع قضایی و از طرف دیگر تهیه قواعد مربوط به رویه قضایی و اعتبار امر مختومه، حال آنکه سیستم بین‌المللی در این خصوص، فاقد ترتیباتی شبیه مقررات حقوق داخلی می‌باشد.

در زمانی که هر یک از دادگاههای مختلف بین‌المللی خود را صالح برای حل و فصل یک اختلاف می‌دانند این امر مهم است که این دادگاهها موفق به احراز و اعمال صلاحیت خاص خودشان شوند. این امر بستگی بسیاری به موضع قضات و توانایی آنان در تعیین صلاحیت خاص خود با امعان نظر دائم نسبت به روح اوضاع و احوال در ساختار بین‌المللی دارد.

به طور کلی، در زمانی که دو دادگاه به طور کامل صالح هستند و اختلاف واحدی به آنها ارجاع شده است، آیا یکی از این دو مرجع نیابتی از رسیدگی اکتاره‌گیری کند؟ چه معیارهایی می‌بایست در انتخاب مرجع رسیدگی‌کننده مورد توجه قرار گیرد؟ چگونگی تعیین صلاحیتهای لازم‌الرعايه، زمانی که افزایش این صلاحیتهای آنها به یکی از مسائل اختلاف می‌پردازد در حالی که درخصوص نکات دیگر به طور روشن مربوط به صلاحیت انحصاری یکی از دادگاهها رسیدگی‌کننده می‌باشد؟ سرانجام، چگونه اعتبار امر مختومه را در مراجع مختلف قضایی جمع کنیم به نحوی که تضمین‌کننده تمامیت تصمیمات صادره باشد؟

تمام این پرسشها در پی یک پاسخند، پاسخی که در وضعیت کنونی نمی‌توان داد مگر اینکه پاسخی ماهوی نسبت به مسائل ناشی از افزایش مراجع قضایی داده شود.

در واقع، افزایش مراجع قضایی به طور جدی موجب خطراتی درخصوص عدم انطباق رویه قضایی و تناقض احکام شده است. رویه‌های قضایی بین‌المللی نشان داده‌اند که دلواپس این موضوع هستند و از عدم چنین انطباقی پرهیز می‌کنند. به همین دلیل، دیوان بین‌المللی دادگستری با دقت احکام صادره سایر مراجع را دنبال می‌کند و به همین جهت بیش از پیش به این احکام ارجاع می‌دهد. پانزده رأی دیوان شامل چنین ارجاع‌هایی است؛ برای مثال، در قضیه اختلاف

مرز زمینی، دریایی (السالوادور-هندراس) دیوان در سال ۱۹۹۲ به رأی ۱۹۱۷ دیوان آمریکایی مرکزی اشاره نموده است در حالیکه در قضیه تحدید حدود دریایی در مناطق واقع شده بین گروتلند و ژاپن ماین^۱ ادانمارک سرورژ، دیوان در سال ۱۹۹۳، اقدام به بررسی حکم صادره در سال ۱۹۷۷ بوسیله دادگاه دآوری فرانسه - بریتانیا در مورد دریا ایلرواز^۲ کرده است. جدیداً در قضیه جزیره کازیکیلی - سند و دو^۳ ابو توسوانا-نامیبیا، دیوان به حکم دآوری صادره بین شیلی و آرژانتین در قضیه لاکونا دل دزیرتو^۴ ارجاع داده است.

همچنین بعضی از مراجع قضایی تخصصی در موارد زیادی از رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری یا سلفش الهام گرفته‌اند. دیوان آمریکایی حقوق بشر به وفور به قضیه کارخانه کوروزو^۵، لوتوس یا تنگه کورفو^۶ و دادگاه جزایی بین‌المللی برای یوگسلاوی نیز در موارد متعددی به رأی دیوان در قضیه بارسلونا تراکشن^۷ اشاره کرده است. ارگان حل و فصل اختلاف سازمان جهانی تجارت غالباً به رویه قضایی دیوان ارجاع داده است. در تصمیم اخیر این مرجع در مورد تدابیر جامعه اروپا در مورد هورمون به رویه قضایی دیوان در قضیه پروژ گابسیکووو ناگایماروس^۸ (مجارستان-اسلواکی) درخصوص مسأله وجود اصل احتیاط^۹ توجه نموده است. سرانجام، دیوان دعوای ایالات متحده - ایران به صور گسترده‌ای به رویه قضایی ادیوان بین‌المللی دادگستری^{۱۰} تأکید نموده است.

علیرغم این کوششها، خطرات عدم انطباق کماکان جدی است خصوصاً در زمانی که در یک

1. Groenland et Jan Mayen

2. Mer de'Iroise

3. Ile de Kasikili, Sedudu

4. Laguna dei desierto

5. Usine de Chorzow

6. Detroit de Corfou

7. Barcelona Traction

8. Projet Gabuikovo/ Nagymaros

۹. مترجم: اصل احتیاط یکی از مهمترین اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست محسوب می‌شود که در اصل اعلامیه ريو ۱۹۹۲ پیش‌بینی شده است. مطابق این اصل «برای حفاظت از محیط زیست، دولتها باید متناسب با امکانات خود تدابیر احتیاطی وسیعی را اعمان نمایند. در صورت خطر ورود صدمات شدید یا غیرقابل جبران، عدم وجود دلایل قطعی علمی نباید بهانه‌ای برای تأخیر در اتخاذ تدابیر مؤثر برای پیشگیری از ورود صدمه به محیط زیست شود.

قضیه دادگاههای اختصاصی مایل به برتری دادن مقررات خاص خودشان هستند^۱ که در اینجا من تنها به یک نمونه اشاره می‌کنم. این مثال مربوط به دادگاه جزایی بین‌المللی برای بوسنیایی در قضیه تادیک^۲ (۱۵ ژوئیه ۱۹۹۹) است. این دادگاه به طور صریح رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری را مورد انتقاد قرار داد. دادگاه جزایی به منظور احراز صلاحیتش می‌بایستی ضمن استنباط وجود یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی در بوسنی - هرزگوین، نشان دهد که بعضی از شرکت‌کنندگان در مخاصمه داخلی وقوع یافته در این کشور تحت کنترل یک قدرت خارجی بوده‌اند. در هنگام بررسی مسأله، دادگاه به رویه قضایی دیوان در قضیه فعالیتهای نظامی و شبه نظامی نیکاراگوا^۳ ارجاع داد. دیوان در قضیه مزبور به بررسی کنترل مؤثر ایالات متحده بر فعالیتهای کترها^۴ پرداخت، در حالی که دادگاه با رد این موضوع، اقدام به تفسیر جدیدی از حقوق بین‌الملل مسئولیت کرد و به رابطه انتساب^۵ استناد نمود و این گروه‌ها را به عنوان گروه‌های منظم جنگجو ارزیابی کرد. دادگاه پذیرفت، نشان داد این امر که گروه‌های مزبور به طور کلی تحت کنترل یک دولت خارجی هستند کفایت می‌کند^۶ و این معیار برای دادگاه جهت مسئول دانستن یک دولت در قبال فعالیتهای گروه کافیهست، صرف‌نظر از اینکه این فعالیتها بطور خاص بوسیله دولت مورد نظر تحمیل، تصمیم یا سفارش شده باشد.

به طور قطع همانطور که این مثال نشان داد و تنها مثال نیز نمی‌باشد، اختصاصی شدن فزاینده مراجع قضایی بین‌المللی دربردارنده خطر بزرگی است. یقیناً، حقوق بین‌الملل همانند حقوق داخلی بایستی خودش را در زمینه‌های متعدد منطبق کند و نیازهای محلی و منطقه‌ای را در نظر گیرد و از طرف دیگر این حقوق ضمن حفظ وحدت خود بایستی بازیگران زندگی [حیات]

1. GUILLELMO, (G), "La Cour internationale de justice. Quelques propositions concretes a l'occasion du cinquantieme", R.G.D.I.P., 1996-2, p.331.

2. Tadic

3. Activités militaires et paramilitaires au Nicaragua et contre celui-ci

4. Contras

5. Lien de attribution

6. Jugement du Tribunal pénal international pour l'ex- Yougoslavie du 15 janvier 2000, paragraphe 120. Vauasi Loizidou, v.Turkey (ECtHR, series A, vol. "310, art. 29, s 83- 85, 20 EHRS, art. 136, cité par J.J. CHARNNEY, "Is International Law Threatened by Multiple International Tribunals", R.C.A.D.I., Vol. 271, 1998, pp. 162-163.

بین المللی را در چارچوب مطمئن قرار دهد. افزایش مراجع قضایی بایستی منیع غنی باشد و نه به عنوان یک منبع هرج و مرج، چگونه این امر حاصل می شود؟

برای کاهش خطرات مربوط به تفسیر متناقض از حقوق بین الملل، آیا مناسب نیست مراجع قضایی بین المللی را تشویق نمود که از دیوان بین المللی دادگستری در موارد مبهم و مهم حقوق بین الملل عام در مورد اختلافاتی که این مراجع رسیدگی می کنند، درخواست اعلام نظر نمایند؟ این چنین آئینی در حقوق اروپایی در رابطه با ماده ۲۳۴ معاهده رم (ماده ۱۷۷ سابق) وجود دارد. این آئین به دادگاههای ملی دول عضو جوامع اروپایی اجازه می دهد که مشکلات قضایی را از دیوان دادگستری اروپایی درخواست نمایند و در بعضی موارد نیز این مراجع (دادگاههای ملی) ملزم به این امر هستند؛ در نتیجه این کار موجب تضمین وحدت حقوق اروپایی می گردد.

آئین های مشابهی می تواند در حقوق بین الملل عام مورد استفاده قرار گیرد. دیوان بین المللی دادگستری صالح به پاسخگویی به درخواست های آزاد مشورتی است که توسط شورای امنیت و یا مجمع عمومی ارجاع می شود. دادگاههای بین المللی (جزایی) که جزء ارگانهای ملل متحد محسوب می شوند و تعقیب مجرمین جرائم جنگی در یوگسلاوی سابق و یا رواندا را به عهده دارند، می توانند از طریق شورای امنیت، تقاضای رأی مشورتی از دیوان بین المللی دادگستری نمایند. گفتنی است، یکی از دو دادگاه اخیراً چنین درخواستی را نموده است. دیوان اداری ملل متحد نیز می تواند از طریق مجمع عمومی چنین درخواستی نماید.

در رابطه با مراجع قضایی بین المللی چون دیوان بین المللی حقوق دریاها و یا دیوان کیفری بین المللی که ارگان ملل متحد محسوب نمی شوند همین راه حل می تواند مورد توجه قرار گیرد. این راه حل (درخواست نظر از دیوان)، سابق بر این توسط شورای جامعه ملل بنام سایر نهادهای بین المللی صورت گرفته است، در حالیکه میثاق جامعه ملل چنین فرضی را پیش بینی نکرده بود. شاید مجمع عمومی این نهادها را تشویق به این امر نموده باشد.

در نتیجه، من تنها توجهتان را به خطرات ناشی از گسترش ناهنجار حقوق بین الملل خصوصاً به سبب ظهور بازیگران و قلمروهای جدید فعالیت (حقوق بین الملل) و همچنین افزایش مکانیزمهای کنترل و افزایش مکانیزمهای حل و فصل قضایی جلب می کنم. ما تنها در صورتی می توانیم از پیشرفتهای قابل توجه همکاریهای بین المللی، امنیت قضایی بهره مند شویم که

متضمن همکاری سیستمها از یک مرحله به مرحله دیگر باشد. حقوق بین الملل نمی تواند با به خطر انداختن هر اقتدار و اختیاری، یکپارچگی خود را، در یک جامعه [مملو از] مبادلات و به طریق اولی [وجود] آزادی مبادلات [که در آن] افراد و ملتها نمی توانند نسبت به یکدیگر بی تفاوت باشند، از دست دهد. من می توانم این تضمین را به شما بدهم که دیوان بین المللی دادگستری به این مشکلات واقف است و با بکار بستن ابزار و وسایلی که در اختیار دارد از این خطرات جلوگیری خواهد کرد.